

[View the original article](#)

سیاسی

شکاف در اردوگاه جمهوری اسلامی؛ جنگ قدرت در غیاب رهبر جدید؟

وحید پوراستاد

۱۴۰۵/مهر/۲۵



در تجمعات شبانه حامیان جمهوری اسلامی، شعارها دیگر فقط علیه آمریکا و اسرائیل نیست. رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و وزیر خارجه نیز هدف اعتراض قرار می‌گیرند؛ مقام‌های پیشین را به‌طور نمادین محاکمه می‌کنند و برخی چهره‌های اصولگرا، شرکت‌کنندگان در همین تجمعات را به نفوذ و اخلال متهم می‌کنند.

اختلاف بر سر مذاکره با آمریکا به نزاعی گسترده‌تر درباره وفاداری سیاسی، اختیار تصمیم‌گیری و جایگاه جناح‌ها در ساختار قدرت تبدیل شده است؛ آن هم در شرایطی که هنوز وضعیت مجتبی خامنه‌ای، رهبر جدید جمهوری اسلامی، ناروشن است.

تجمعاتی که به مسئله حکومت تبدیل شدند

تجمعات شبانه پس از آغاز جنگ، برای نشان دادن حمایت از جمهوری اسلامی و حفظ انسجام در شرایط بحرانی برگزار شدند. اکنون، در حالی که از رونق آن‌ها کاسته شده، بخشی از حامیان حکومت در تجمعات خیابانی علیه مقام‌های ارشد حکومت شعار می‌دهند.

در تجمعی شعار می‌دادند: «پزشکیان و قالیباف رو می‌دیم، اورانیوم نمی‌دیم.»

در یکی از تجمعات دیگر، محاکمه‌ای نمایشی برای حسن روحانی و محمدجواد ظریف ترتیب داده شد. پیش‌تر نیز مقابل خانه روحانی، معترضان علیه او، محمد خاتمی و ظریف شعار داده و رئیس‌جمهور پیشین را به داشتن «رؤیای رهبری» متهم کرده بودند.

اما مناقشه فقط میان معترضان و مقام‌های فعلی و پیشین نیست. علیرضا پناهیان، واعظ نزدیک به بیت علی خامنه‌ای، مدعی شده برخی افرادی که در این تجمعات علیه مذاکره شعار می‌دادند و به مقام‌های حکومتی توهین می‌کردند، بازداشت شده‌اند. او بدون ارائه مدرک، این افراد را «ضدانقلاب بهائی» خوانده است.

روزنامه اصولگرای خراسان هم هشدار داده که تجمعات از موضوعی ملی به رقابت جناحی تبدیل شده‌اند. روزنامه جمهوری اسلامی نیز تهمت‌زنی و تخریب مخالفان سیاسی به نام انقلابی‌گری را نقد کرده است.

در این میان، تغییر مسیر تجمعات شبانه حامیان حکومت موجب شده که محمدصالح جوکار، رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس، از تشکیل کارگروهی برای نظارت بر سخنرانی‌های این تجمعات خبر بدهد؛ اقدامی که هدف آن حفظ وحدت ملی اعلام شده است.

این واکنش‌ها نشان می‌دهد مسئله برای حکومت فقط محتوای شعارها نیست، بلکه کنترل تریبونی است که پیش‌تر قرار بود یک‌صدایی حامیان را نمایش دهد. اکنون حتی درباره این‌که چه کسی نماینده واقعی جریان انقلابی است، اختلاف وجود دارد.

دو روایت از هزینه جنگ و مصالحه

در میان چهره‌های سیاسی جمهوری اسلامی نیز اختلاف بر سر ادامه رویارویی با آمریکا یا تلاش برای دستیابی به توافق آشکارتر شده است. حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین، از ضرورت پایان دادن به جنگ از طریق توافق سخن گفته و محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین، با اشاره به تجربه‌های تاریخی، از تصمیم‌های دشواری گفته که گاه برای حفظ موجودیت کشور ضروری می‌شوند.

روحانی در سخنانی در شهریور امسال، با انتقاد از مخالفان مذاکره گفت: «اگر هم به یک توافق عزتمندانه و شرافتمندانه برسیم، به نفع کشور و به خاطر کشور است.»

او با اشاره به این‌که در داخل ایران برخی از مذاکره و توافق استقبال نمی‌کنند، پرسید: «آیا مذاکره بدون حمایت، اعتماد و مشارکت مردم و بدون حرکت در بخش‌های دیگر، پیش می‌رود؟» رئیس‌جمهور پیشین جمهوری اسلامی همچنین با انتقاد از ادامه تنش‌ها در تنگه هرمز گفت: «تنگه هرمز نباید تنگه جنگ باشد، ما که نمی‌خواهیم تنگه جنگ درست کنیم و همه‌اش بجنگیم.»

در روزهای اخیر، بازنشر ویدئویی از سخنان محمدجواد ظریف درباره عهدنامه ترکمانچای نیز واکنش‌های تندی در میان مخالفان مذاکره برانگیخته است.

ظریف در این ویدئو، با اشاره به این‌که در شرایط تهدید موجودیت کشور، تصمیم‌گیرندگان ممکن است ناچار به پذیرش توافقی‌های دشوار شوند، می‌گوید عهدنامه ترکمانچای امضا شد «چون دشمن تا پشت

قزوین آمده بود و درصدد تصرف تهران بود و موجودیت کشور در خطر قرار داشت. در چنین شرایطی، توافقی صورت می‌گیرد تا بقا حفظ شود.»

او در ادامه برای توضیح این استدلال، تصمیم به قطع عضو برای نجات جان یک بیمار را مثال می‌زند و می‌گوید گاهی مسئولان ناچارند برای حفظ کشور تصمیم‌های سختی بگیرند.

چهره‌های سیاسی دیگری نیز دربارهٔ هزینه‌های ادامهٔ رویارویی هشدار داده‌اند. غلامحسین کرباسچی، دبیرکل سابق حزب کارگزاران سازندگی، در تلویزیون جمهوری اسلامی ادعای توانایی شکست دادن آمریکا را به چالش کشیده و محمد خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین، با تأکید بر ضرورت حفظ تمامیت سرزمینی ایران هشدار داده است که حتی انتظار وقوع جنگی تازه نیز جامعه را فرسوده و توان تاب‌آوری مردم را تضعیف می‌کند.

در مقابل، سعید جلیلی، از چهره‌های شاخص جریان اصولگرای تندرو، رویکردی متفاوت مطرح کرده است. او در سخنانی در مهر امسال هشدار داد که نباید اجازه داد برخی با «تحلیل‌های غلط» و «نخ‌نما» جایگاه و توانایی‌های جمهوری اسلامی را نادیده بگیرند و سطح نقش‌آفرینی آن را پایین بیاورند.

اختلاف این دو رویکرد بر سر یک محاسبهٔ اساسی است: آیا مصالحه با آمریکا راهی برای محدود کردن هزینه‌های جنگ و حفظ منافع کشور است یا امتیازی که طرف مقابل را به افزایش فشار تشویق می‌کند؟

این مواضع به‌تنهایی روشن نمی‌کنند که توافق احتمالی آینده با آمریکا چه مفادی خواهد داشت، اما نشان می‌دهند که حتی بر سر تعریف «حفظ منافع ملی» و هزینه‌های ادامهٔ رویارویی نیز میان چهره‌های سیاسی جمهوری اسلامی اختلاف وجود دارد.

بیشتر در این باره:

شعار علیه «رؤیای رهبری»؛ حملات به حسن روحانی چه معنایی دارد؟



مجلس و دعوا بر سر مجوز مذاکره

در مجلس، درخواست استیضاح عباس عراقچی به یکی از ابزارهای فشار تبدیل شده است. نام ۳۵ نماینده، از جمله امیرحسین ثابتی، حسینعلی حاجی‌دلیگانی و محمود نبویان، به‌عنوان متقاضیان استیضاح منتشر شده است.

درخواست آنان محورهای مختلفی دربارهٔ عملکرد وزارت خارجه دارد؛ منتقدان این اقدام، انگیزهٔ اصلی بخشی از امضاکنندگان را مخالفت با تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان جنگ می‌دانند.

ثابتی، نمایندهٔ تهران، عراقچی را به مذاکره بدون مجوز رهبر جمهوری اسلامی در نیویورک متهم کرده است.

کامران غضنفری، دیگر نمایندهٔ تندرو مجلس، هم گفته است: «عراقچی به دلیل خسارت بزرگی که به کشور وارد کرده، تاکنون از مردم و رهبری نظام هم عذرخواهی نکرده و حلالیت نطلبیده است و درصدد جبران خسارت‌هایی که به کشور وارد کرده هم برنیامده است.»

در مقابل، محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، از تصمیم برای انتقال شروط ایران به واسطه‌ها سخن گفته است. این روایت‌ها، اختلاف‌های درون حاکمیت را به مسئله‌ای حساس‌تر می‌کشانند؛ این‌که چه نهادی اختیار تعیین حدود مذاکره را دارد و چه کسی می‌تواند از سوی حاکمیت تعهد بدهد؟

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، نیز در واکنش به فضای سیاسی کشور گفته است: «من حرف‌های زیادی برای گفتن دارم، اما به خاطر حفظ وحدت کشور سکوت کرده‌ام.»

رهبر غایب و پرسش بی‌پاسخ

ابهام دربارهٔ حدود اختیار مقام‌های ایرانی به اظهارات طرف آمریکایی هم راه یافته است. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، گفته سازوکار تصمیم‌گیری در ایران کاملاً روشن نیست. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، نیز با اشاره به کشته شدن چند لایه از رهبران جمهوری اسلامی گفته است: «فکر می‌کنم زیادی پیش رفتیم و نمی‌دانم با چه کسی باید معامله کنم.»

او همچنین گفته است رهبران رده‌های اول و دوم و بخشی از رهبران ردهٔ سوم جمهوری اسلامی از بین رفته‌اند و افزوده است: «بعد گفتم آقایان، من باید با یک نفر صحبت کنم! دارید چه کار می‌کنید؟ باید کمی دست نگه دارید»

در این میان، مجتبی خامنه‌ای از زمان جانشینی پدرش در انظار عمومی ظاهر نشده و از وضعیت سلامتی او هم هیچ خبر قابل اعتمادی منتشر نمی‌شود. هرچند برخی مقام‌های حکومت از ارتباط و دیدار با او سخن گفته‌اند، اما نقش مستقیمش در تصمیم‌های جاری به‌طور مستقل روشن نشده است.

با این حال، هم‌زمانی غیبت رهبر جدید با تشدید حملات جناحی پرسش‌هایی را پیش می‌کشد که هنوز پاسخ مستندی برای آن‌ها وجود ندارد: آیا بازیگران سیاسی فقط بر سر مسیر مذاکره اختلاف دارند یا برای محدود کردن نفوذ رقبای خود نیز تلاش می‌کنند؟ آیا شرایط جسمی و سلامتی مجتبی خامنه‌ای در وضعیتی است که نسبت به رهبری و جانشینان او نگرانی‌های جدی وجود دارد؟

اختلاف‌ها در جمهوری اسلامی از تجمعات خیابانی تا مجلس و رسانه‌ها گسترش یافته، اما مسئلهٔ مهم‌تر، ابهام دربارهٔ سازوکار تصمیم‌گیری در بالاترین سطوح حکومت است؛ این‌که چه کسانی اختیار تصمیم‌گیری دارند، چه کسانی می‌توانند این تصمیم‌ها را تغییر دهند و چه کسانی باید پاسخ‌گوی پیامدهای تصمیم‌ها باشند.

بیشتر در این باره:

چرا جمهوری اسلامی هنوز سقوط نکرده است؟



وحید پوراستاد



وحید پوراستاد نزدیک به دو دهه فعالیت روزنامه‌نگاری در روزنامه‌های مختلف ایران را در کارنامه خود دارد. او از اواخر سال ۸۹ به تحریریهٔ رادیو فردا پیوست و در مدت فعالیت خود در رادیو فردا چندین مستند رادیویی و تلویزیونی نیز از جمله «سلول انفرادی»، «سی جنجال یک رئیس‌جمهور»، «پرونده قاضی سعید مرتضوی» و فیلم مستند «در اتاق بازجویی» را ساخته است.

